

« فراسوی مدیریت »

سال پنجم - شماره ۱۸ - پاییز ۱۳۹۰

ص ص ۹۹ - ۱۲۳

مطالعه میزان توانمندی سازمان های مردم نهاد (NGO) فعال در حوزه بهبودی استان مازندران

دکتر عزت الله بالوئی جامخانه^۱

دکتر محمد رضا باقرزاده^۲

دکتر مجتبی طبری^۳

فاطمه روشن بخش^۴

چکیده

در این تحقیق سعی بر این است تا نشان داده شود که آیا وضعیت عوامل موثر بر توانمند سازی سازمان های مردم نهاد در حوزه بهبودی استان مازندران مطلوب است؟ بدین منظور متغیرهای مستقل عوامل ساختاری، عوامل عملکردی و عوامل زمینه ای مورد بررسی قرار گرفت و برای رسیدن به هدف مورد بررسی با طراحی پرسشنامه و جمع آوری داده ها، با استفاده از نرم افزار SPSS اطلاعات تجزیه و تحلیل شده و به این نتایج رسیدیم که وضعیت عوامل مؤثر بر توانمندی سازمان های مردم نهاد (NGOs) در حوزه سازمان بهبودی استان مازندران مطلوب است.

واژه های کلیدی: سازمان های غیردولتی، توانمندسازی، توسعه، بهره وری، بهبودی

^۱ - عضو هیأت علمی (استادیار) دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائمشهر، گروه مدیریت، قائمشهر-ایران (e_baloui2008@yahoo.com)

^۲ - عضو هیأت علمی (استادیار) دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائمشهر، گروه مدیریت، قائمشهر-ایران (Bagherzadeh@yahoo.com)

^۳ - عضو هیأت علمی (استادیار) دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائمشهر، گروه مدیریت، قائمشهر- ایران

^۴ - دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر، قائمشهر- ایران

۱. مقدمه

اصطلاح NGOs کوتاه شده «سازمان های غیر دولتی»^۱ است، که هم اکنون معادل «سازمان داوطلبانه خصوصی»^۲ مصطلح شده و به تشکل ها، انجمن ها، کانون ها و نهادهای مردمی آزاد گفته می شود. هرچند سازمان های غیردولتی از اوان ظهور و بروز خود در پس از جنگ جهانی اول بر کمک رسانی به فقرا و امور خیریه متمرکز شده اند، با این حال در سال های پایانی قرن بیستم که با وقوع پدیده های نظیر تغییر در پارادایم توسعه و جغرافیای قدرت و بحران ناکارآمدی دولت ها و پدیده جهانی شدن همراه شده بود، این سازمان ها قدر و منزلت ویژه ای یافتند و نقش های مهمی را در سطوح ملی و بین المللی و به خصوص در اصلاح ساختار اداره امور عمومی و در تعامل با دولت ها برعهده گرفتند، به گونه ای که از سوی دبیر کل سازمان ملل، سده نخست هزاره سوم میلادی، قرن سازمان های غیردولتی نامیده شد. امروزه بعضی از صاحب نظران اعتقاد دارند که سازمان های غیردولتی قابلیت آن را دارند که به عنوان بازیگران فعال در عرصه امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نقاط ضعف نهادهای سنتی نظیر احزاب را نیز جبران نمایند (مرتضوی، ۱۳۸۱). در حال حاضر یکی از راهبردهای مؤثر جهت توسعه همه جانبه و خودپایدار، استفاده از مشارکت و توانمندی مردم در تمام ابعاد آن است که مهمترین ابزار اصلی نیل به این مقصود را می توان در تشکیل نهادهای سازماندهی شده غیردولتی (NGOs) دانست، که براساس نیاز و توانایی گروه های مختلف در موضوعات متنوع و ضروری جهت اجرای برنامه های توسعه ایجاد می گردد.

در جهان کنونی نیل به توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی از اجزاء جدایی ناپذیر گرایش های تکاملی انسان محسوب شده و مقوله رفاه اجتماعی یکی از مهم ترین اهداف دولت ها قلمداد می شود. از این رو دست آوردهای عظیم بشری

^۱-Non- Governmental Organizations (NOGs)

^۲-Private Voluntary Organizations (PVOs)

حاصل از دگرگونی های سریع اجتماعی که منجر به تغییرات عمده ای در شیوه های زندگی، نیازها و پایگاه ارزشهای افراد گردیده ایجاب می کند که: اولاً: ساختار فرآیند نظام های اداری و سازمان هایی که بخشی از سیستم کلان اجتماعی هستند، متحول و منعطف شوند تا با ایفای نقش های اساسی تر خود مانند نظارت، هدایت و حمایت به خواسته ها و انتظارات جامعه امروز و فردا را پاسخگو باشند.

ثانیاً: آفت ها و آسیب های ناشی از تحولات روز افزون را کاسته و مدیریت کنند، به تعبیر دیگر عدالت اجتماعی حکم می کند، توده های محروم و طبقات ضعیف و ناتوان جامعه از توجه و جایگاه خاصی برخوردار شوند به ویژه با توجه به آموزه های مؤثر دینی در نظام حکومتی اسلامی، دولت می بایست برای بهبود سطح معیارها و استاندارد زندگی آنان و حفظ کرامت انسانی، بگونه ای برنامه ریزی نماید که بتواند تمامی گروه ها و افراد نیازمند را تحت رسیدگی و پوشش قرار دهد (محمدی و دیگران، ۱۳۸۷) در موقعیت حاضر یکی از مهمترین راهبردهای رسیدن به توسعه پایدار جوامع وجود سازمان های غیردولتی پر قدرت و سرزنده و بهره گیری از توانمندی آنها در فرآیند توسعه همه جانبه و مشارکت محور است. از اینرو محور اساسی این تحقیق، بر شناسایی میزان توانمندی سازمان های غیردولتی فعال در عرصه بهزیستی استان مازندران و چگونگی ارتقاء آن بر اساس مدل جولی فیشر قرار گرفته است.

شاخص های ذیل نمایانگر برخی ابعاد کلیدی هستند که باید در توسعه جامعه ای سرزنده از سازمان های غیردولتی و سنجش قدرت و ارزش آنها مدنظر قرار گیرد (Usaid, 2000, 15-18).

این تحقیق از مدل جولی فیشر^۱ اقتباس شده است. مدل جولی فیشر شامل مجموعه‌ای از شاخص‌های یازده گانه می‌باشد که محققین این پژوهش جهت تلخیص و سهولت استنتاج آنها براساس طبقه‌بندی رایج در یک تقسیم‌بندی کلی به سه طبقه (ساختاری، کارکردی و زمینه‌ای) دسته‌بندی نموده اند.

شاخه عوامل ساختاری^۲ عبارتند از:

حجم و گستره سازمان‌های غیردولتی و عضویت آنها

وضعیت تنوع فعالیت سازمانهای مردم نهاد

استقلال سازمانهای مردم نهاد

شاخه عوامل کارکردی^۳ عبارتند از:

وضعیت توانایی تاثیر بر برنامه ها و سیاست های دولتی

وضعیت میزان مشارکت و پاسخگویی به نیازهای اعضاء

وضعیت استمرار و پایداری سازمان های غیردولتی

وضعیت نوآوری سازمان های غیردولتی

شاخه عوامل زمینه‌ای^۴ عبارتند از:

وضعیت روابط و شبکه‌ها و انجمن‌های سازمان های مردم نهاد

وضعیت ارتباط با بخش خصوصی

وضعیت ظرفیت‌سازی فعالیت سازمان‌های مردم نهاد

وضعیت توانایی ارتباطات و دستیابی به اطلاعات سازمان‌های مردم نهاد

علیرغم عدم دسترسی به پیشینه کاملاً مرتبط با پژوهش حاضر، برحسب

ضرورت به تعدادی از منابع ذیربط اشاره می‌شود:

^۱-Julie Fisher

^۲-Structural factors

^۳-Functional factors

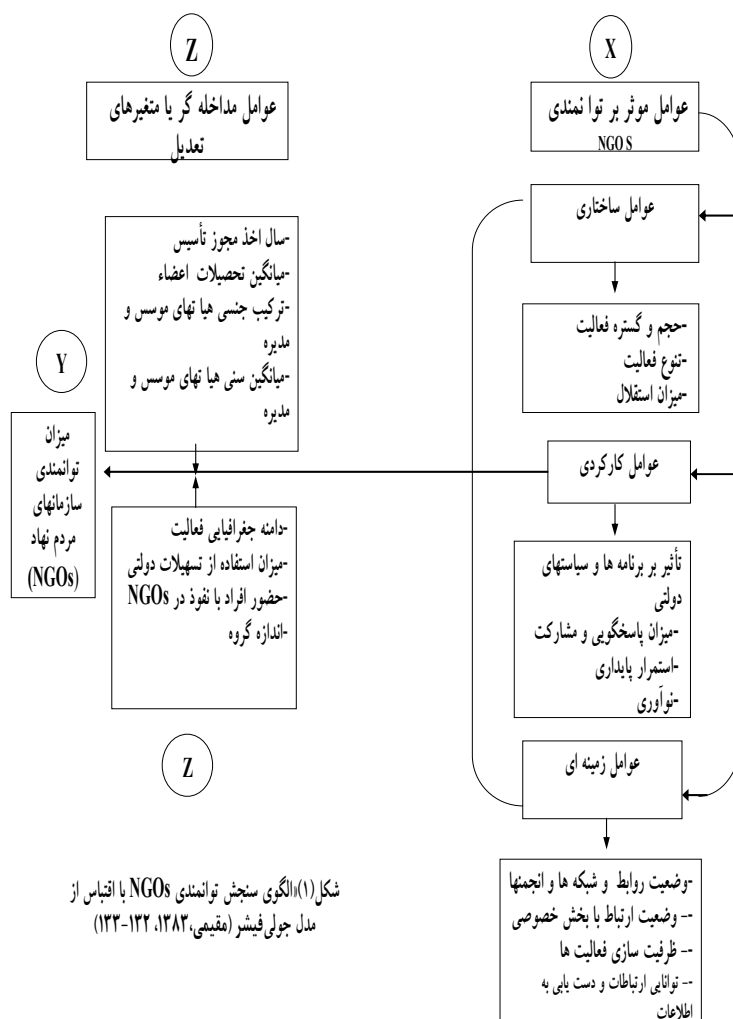
^۴-Contextual factors

مستشاری از گروه مطالعات ایرانی در تحقیقی تحت عنوان «مقدمه ای برای مدیریت سازمان های غیردولتی» در دانشگاه ماساچوست در ژوئن (۲۰۰۵) گفته: سازمان های غیردولتی چیست؟

اصطلاح سازمان های غیردولتی یا NGOS در سال ۱۹۴۵ بوجود آمده زیرا برای طرحهای مختلف بین حقوق مشترک دولت داخلی، مؤسسات تخصصی و سازمان های بین المللی خصوصی نیاز بود. تقریباً "در سازمان ملل متحد تمامی انواع بدنه خصوصی سازمان های غیردولتی می تواند به رسمیت شناخته شود. آنها فقط باید مستقل از دولت باشند نه برای رقابت با دولت هر یک از این دو به عنوان یک بخش سیاسی یا یک کانون محدود برای حقوق بشر می باشد نه برای کسب سود و تجارت. گزارشی که تا سال ۲۰۰۳ وجود داشت بیش از ۲۰۰۰۰ NGO، فعال در ایران موجود بود. اکثریت این سازمان ها، مؤسسات خیریه بودند و بنابراین مشمول گروه NGOهای توسعه گرا نبودند. ساختار سازمان های غیردولتی بطور قابل توجهی متفاوت می باشد. یک جامعه از سه بخش دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی به استثنای کسب و کار یا تجارت تشکیل شده است. سازمان های غیردولتی جزئی از جنبش های اجتماعی در بین جامعه مدنی هستند. در مورد ایران که جامعه مدنی هنوز بالغ نبوده، NGOها می تواند یک نقش مهم در تقویت پایه های جامعه مدنی باشد. استقلال یک مسئله مهم در اعتبار یک NGO است. برای یک سازمان غیردولتی سخت است که زیر نفوذ هیچ دولتی نباشد. همچنین در بیشتر جوامع اقتدارگرا، سازمان های غیردولتی شاید برای فعالیت مستقل خیلی سخت تشکیل شوند و آنها شاید از دیگر فعالان سیاسی تقدیر و تشکری دریافت نکنند حتی وقتی که آنها مستقل فعالیت می کنند. از سوی دیگر، توسعه و بشردوستی و آسودگی NGOها، برای اجرای برنامه ریزی مؤثر، به منابع اساسی نیاز دارد. بنابراین بیشتر آنها سرمایه های رسمی را با میل قبول می کنند و برای ارتباطات NGOها، مهم است که در عملکرد و هدفشان شفافیت داشته باشند (Mostashari, 2005).

بورلی و گلزار در تحقیقی تحت عنوان «همکاری درون سازمانی و بررسی مراقبت های بهداشتی بین سازمان های غیر دولتی در پاکستان» دانشکده پرستاری مینه سوتای آمریکا و دانشکده پرستاری اوکیناوا و دانشکده پرستاری ایلینوی و شیکاگو، مؤسسه P.O. در کالیفرنیا آمریکا، در ژوئن (۲۰۰۵) گفته اند:

هدف از این تحقیق مشارکت و همکاری بین NGO های ارائه کننده خدمات بهداشتی و درمانی به زنان و کودکان در کراچی پاکستان می باشد. توسعه مردم، جوامع و حتی تمدن ها به سازمان های نیرومند بستگی دارد که یک زیربنای قابل اطمینان را برای ارائه خدمات کارآمد تضمین می کند. در پاکستان، محیط آشفته و مشکلات بهداشتی فراگیرند، بقای پاکستان، تا حد بسیار زیادی به کیفیت سازمان های آن بستگی دارد. این سازمان ها شامل NGO های بهداشتی و همکاران آنها می شود. NGO ها نسبتاً "کوچک و محلی هستند آن هم به این دلیل که آنها بر منابع محلی و تکنولوژی هایی که به طور محلی پذیرفته شده اند سرمایه گذاری می کنند. با این توجه آنها تا اندازه ای منحصر به فرد هستند. با این وجود، NGO ها به دلیل استقلالشان در جمع آوری پول و فقدان کنترل بر شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و جمعیتی کشور آسیب پذیرند تا فعالانه با محیط گسترده تر و بدون واسطه، توسط صرف کردن منابع برای تأثیرگذاران بر دیگران تعامل کنند.



NGOها در حال توسعه هستند و نشانه هایی از کمال را نشان می دهند. آنان به تازگی در اواخر دهه ۱۹۸۰ آغاز به کار کرده و در ۲۰ سال گذشته می توان چندین شبکه را دید که پدیدار شده و به خوبی عمل می کنند. در پاکستان سیستم حمایتی محدود شده ای برای NGOها موجود است. بنابراین با توجه به تفاوت های محلی

وسرمایه گذاری بر روی قوت سازمان ها و محیط برای توسعه سازمانی، باید تعامل محیطی را افزایش داد (Gulzar & Beverly, 2005, 1930-1943).

وارن گری و گالف در تحقیقی تحت عنوان «سازمان های غیردولتی در بنگلادش: فعالیت ها، منابع و اداره امور» از بانک جهانی، واشنگتن دی سی، ایالات متحده آمریکا و دانشگاه کلمبیا، نیویورک و دانشگاه های آمریکادر سال (۲۰۰۵) گفته اند:

این گزارش نتایج یکی از اولین و بزرگترین بررسی های ملی نمایندگی سازمان های غیردولتی (NGOs) را در یک کشور در حال توسعه بیان کرده است. ساختار سازمان های غیردولتی در بنگلادش، سازمان یافته، پیچیده و شبیه به هم است. اکثر سازمان های غیردولتی شامل شعبه مرکزی و چند شاخه می باشند که این شاخه ها از شعبه مرکزی استقلال محدودتری دارند. اکثر سازمان های غیردولتی درون کشور، چه بزرگ و چه کوچک، بر خدمات اعتباری تمرکز داشته و بیشتر درآمدها از حق الزحمه خدماتی است که ارائه می دهند نه از واگذاری یا کمک های بلاعوض. شباهت بین NGO های بزرگ و کوچک بسیار زیادتر و برجسته تر از تفاوت های آنان بوده است. این سازمان ها بر کارمندان حقوق بگیر تکیه دارند نه بر کارکنان داوطلب و اساساً درآمدهای خدماتی را دستمزد قرار داده اند. دستمزدها و حقوق ها بزرگترین قسمت از هزینه های NGO ها محسوب می شود. حساب های مالی به ظاهر رسیدگی شده اند. به طور مناسبی با مقامات دولتی ملاقات داشته و تعداد بسیاری از مدیران NGO مرد، نسبتاً جوان با تحصیلات دانشگاهی و از یک خانواده در سطح متوسط بوده اند. اگرچه دلایل تاریخی این همگرایی پیچیده است، قدرت تشویقی (متقاعد کننده) ایده ها، فشارهای وابسته به جامعه شناسی به سوی فرهنگ پذیری و مطابقت و همچنین انگیزه های مادی احتمالاً موجب همگرایی به یک قالب سازمانی مفید می شود (Gauri & Galef, 2005, 2045-2065).

نلسون و دورسی در تحقیقی تحت عنوان «در رابطه با حقوق بشر و توسعه: روشها و استراتژی های جدید سازمان های غیردولتی جهان» از دانشگاه پیتسبورگ ایالات متحده آمریکا در سال (۲۰۰۳) گفته اند:

تعامل روبه رشد توسعه و حقوق بشر، به ویژه عملکرد سازمان های غیردولتی (NGO)ها، مفاهیم مهمی برای سازمان های غیردولتی، آژانس های کمک کننده و دولت ها را دربردارد.

سه نظام زیرمفاد تعامل در حال رشد را تشکیل می دهند: حقوق مبتنی بر رویکرد برای توسعه، حمایت مشترک بوسیله حقوق بشر و توسعه NGOها، و گسترش و توجه گروه حقوق بشر به حقوق اقتصادی و اجتماعی.

حقوق بشر به طور بین المللی استانداردهای مشخصی را به عنوان معیارها و مبنای جوابگویی شرکت ها و سازمان های غیردولتی ارائه می دهد، که منبع جدیدی از نفوذ و تأثیر برای حمایت NGOها است، و اولین چالش بنیادی از نظر بازار محوری بودن توسعه محسوب می شود که از دهه ۱۹۸۰ شایع شده است.

در این تحقیق تلاش سازمان های غیردولتی برای ایجاد ارتباط بین حقوق بشر و توسعه بررسی می شود تا نقاط قوت و محدودیت های هر یک مشخص شود. در مرحله ابتدایی دو اکتشاف مشخص است.

اول: تعامل بین توسعه و حقوق بشر به سرعت در چندین نقطه سازمانی در حال رشد است. علاوه بر به کارگیری استانداردهای حقوق مدنی و سیاسی، این تعامل همچنین سعی دارد تا استانداردهای حقوق بشر را مبنای برنامه ریزی در سازمان های غیردولتی کند. مخصوصاً "آنها" که حقوق اجتماعی و اقتصادی را بهبود می بخشد.

دوم: این موارد نشان می دهد که الگوهای حمایت NGO و برنامه ریزی آن به طور برجسته ای از الگوهایی که در حقوق سیاسی و مدنی در حال بهبود دیده می شود متفاوت است.

اگر چه حقوق اجتماعی و اقتصادی به طور بین المللی مشخص شده اند، اما حمایت بین دولت های قدرتمند برای بکارگیری در مقایسه با حقوق سیاسی و مدنی از قدرت کمتری برخوردار است و انتظار نمی رود که NGOها از حمایتی برخوردار باشند. پنج ویژگی حقوق بشر و تأثیر بالقوه اش در عمل توسعه به قرار زیر است:

- ۱- چهارچوب کاری برای اجرای توسعه
- ۲- استانداردهای بین المللی
- ۳- توسعه و تعهدات حقوق بشر به سیستم های بین المللی
- ۴- دریافت تأثیر از طریق اتحاد
- ۵- یک چالش برای توسعه بازار (Nelson & Dorsey, 2013-2026, 2003)

با پیشرفت علم و صنعت و مخصوصاً انقلاب صنعتی در قرون هیجدهم و نوزدهم، ضرورت وجود تشکل های مردمی هر چه بیشتر محسوس گردید و این ضرورت در قرن بیستم نه تنها به اوج خود رسید بلکه باعث تغییرات کیفی و کمی در این نهادهای مردمی گردید. تشکل های مردمی که در ابتدا به دلیل نیازهای شخصی و به صورت مقطعی به وجود می آمد، شکل مستمر و دائمی نداشت و محدود به عرصه محدودی از امور زندگیشان می شد، به مرور زمان، تبدیل به سازمان های با ثباتی گردید. امروزه پیش بردن ارزش ها و علایق مشترک از مهمترین عوامل تشکیل این نهادها محسوب می شود. این نهادهای مدنی در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی که هر یک به نوعی با زندگی اعضای آنان سر و کار دارد فعالیت می کنند تا جائی که نه تنها در توسعه جوامع نقش مؤثری دارند، بلکه یکی از نشانه های پیشرفت در جوامع، وجود نهادهای مدنی می باشد (خزائلی، ۵، ۱۳۸۲). هگل^۱ در کتاب («فلسفه حقوق» ۱۸۲۱)

¹-Hegel

جامعه مدنی را چنین تعریف می کند: «جامعه مدنی در برگیرنده سازمان هایی است که میان خانواده و دولت به فعالیت می پردازند». از دیدگاه والنز^۱ جامعه مدنی عبارت است از حوزه تجمع غیراجباری انسان ها و همچنان مجموعه ای از شبکه های ارتباطی که به منظور حمایت از خانواده، دین، منافع و ایدئولوژی شکل می گیرند (رحیمی، ۲۴، ۱۳۸۷). جولی فیشر می نویسد: درجهان سوم، واژه NGO با گستره وسیعی تعریف شده است و به طور کلی اشاره به سازمان هایی دارد که درگیر امور توسعه شده اند (Rasalan, 2001, 2) بندل و مورفی^۲ معتقدند که: به جای دستیابی به قدرت اقتصادی بازار یا عرصه سیاسی از طریق فرایند انتخابات، هدفشان ارتقاء اهداف محیطی و یا اجتماعی است، تحت عنوان سازمان غیردولتی مطرح هستند (Greenall & Rovere, 1999, 1). کارول^۳، NGOs را حلقه واسط بین گروه های جامعه و توده مردم با سازمان های حکومتی و یا NGO های بین المللی می داند (Carrol, 1992, 10).

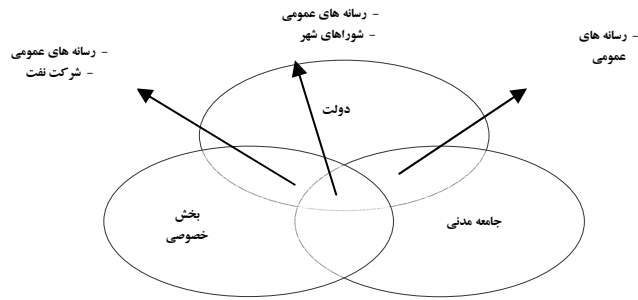
- نحوه مشارکت سازمان های غیردولتی با بخش دیگر جامعه

امروزه عقیده بر این است که بدون مشارکت دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی توسعه همه جانبه تحقق پیدا نمی کند. شکل زیر که این الگوی سه بخشی را نمایش می دهد گویای مشارکت، اتفاق نظر و اشتراک منافع بین آنها است.

¹-Walser

²-Bndell & Murphy

³-Carrol



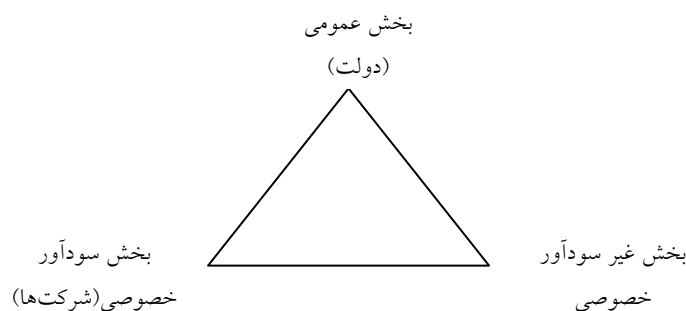
شکل ۲- نحوه مشارکت سازمان‌های غیردولتی با بخش دیگر جامعه

همان‌طوری که در شکل بالا می‌بینید این سه دایره با هم برابر هستند. در جوامعی که دولت‌ها سد راهی برای توسعه نیستند دایره دولت کوچکتر از دایره جوامع جامعه مدنی است یعنی در این جوامع زمینه رشد سازمان‌های غیردولتی کاملاً فراهم است. نکته دیگر این است که این سه بخش ضمن اینکه از استقلال کافی برخوردار هستند. در خیلی از موارد اشتراک منافع دارند (محل برخورد دایره‌ها) مثلاً شرکت ملی نفت ایران که هم دولتی است و هم ویژگی‌های بخش خصوصی را دارد، یا انواع تعاونی‌ها، شوراهای شهر، رسانه‌های عمومی که هم ممکن است ویژگی‌های بخش خصوصی یا جامعه مدنی را داشته و هم دولتی باشند (خزائلی، ۱۳۸۲، ۱۳-۱۲).

امروزه امیدهای زیادی وجود دارد که NGOها به عنوان جانشین شایسته‌ای برای خدمات عمومی و پیشرفت اجتماعی، یا حداقل به عنوان جانشین شایسته‌ای برای خدمات عمومی در سطح ملی ایفاء نمایند (Jordan & Tuij, 1998, 3). داوطلبی‌گری از طریق نهادهای جامعه مدنی، منجر به افزایش نگرش‌های مثبت، توسعه اخلاقیات و مسئولیت‌پذیری در جامعه می‌شود. بر همین اساس است که

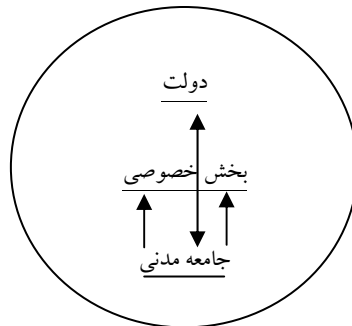
بسیاری از کشورها به صورت فعالانه فعالیت های داوطلبانه را ترغیب می کنند (Catano et al,2001,1).

- تعامل بخش های مختلف جامعه در فرآیند خط مشی گذاری و اجرا با طرح الگوی جدید مدیریت دولتی، اداره امور عمومی وارد مرحله تازه ای شده است تحت عنوان مدیریت دولتی نوین یا حکومت جامعه مدار (توانمندسازی جامعه به جای خدمات رسانی مستقیم دولتی) از جمله اقدامات حکومتی در این الگوست (Denhardt,2000,147-49) براین اساس حکومت ها می کوشند تا به جای استخدام کارکنان دولتی بیشتر، تمرکز خود را عمدتاً بر خط مشی گذاری معطوف سازند و سایر بخش های جامعه را در فرآیند انتقال خط مشی و اجرای آن سهیم نمایند و از آن جا که هر جامعه ای متشکل از سه بخش اصلی است (بخش عمومی، بخش خصوصی و بخش سوم یا جامعه مدنی)، تعامل بخش های مختلف جامعه در فرآیند انتقال و اجرا خط مشی ضروری است که به صورت شکل زیر طراحی شده است (مقیمی، ۱۰، ۱۳۸۳-۹).



شکل-۳- تعامل بخش های مختلف جامعه در فرآیند خط مشی گذاری و اجرا

- الگوی سیاسی جامعه مدنی ونحوه رقابت آنها بادیگر بخشهای جامعه در این مدل هر کدام از گروهها تمایل دارند که منافع خودشان را دنبال کنند و اثرگذار بر دیگری باشند، مثلاً دولت سعی می کند بر جامعه مدنی اثرگذار باشد و جامعه مدنی نیز تلاش می کند در دولت و بخش خصوصی نفوذ پیدا کند. گاهی هم بین آنها مناقشه در می گیرد که معمولاً به یک نقطه مشترک می رسند. در کشورهای دموکراتیک مسائل و مشکلات این سه بخش توسط بحث، انتخابات و غیره، حل و فصل می شود. قدرت این سه بخش در جوامع مختلف متفاوت است.



شکل ۴- الگوی سیاسی جامعه مدنی

سه نوع رویکرد پیرامون روابط سازمانهای غیردولتی با دولت وجود دارد یا NGO ها با دولت در ستیزند و اساساً نمی خواهند به دولت نزدیک شوند و یا اینکه کاملاً جذب دولت شده اند و حتی هزینه شان را دولت تأمین می کند که هر دو این روابط برای دولت و سازمانهای غیردولتی آفت است و یا با دولت یک ارتباط دو طرفه منطقی با حفظ استقلال خود برقرار می کنند که این رابطه می تواند در توسعه یک جامعه نقش اساسی داشته باشد (خزایی، ۱۵، ۱۳۸۲-۱۴).

هدف اولیه از انجام این تحقیق مطالعه میزان توانمندیها و تعیین عوامل آن در سازمانهای غیردولتی بهزیستی استان مازندران می باشد تا براساس آن در راستای

اهداف برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران پیشنهادهایی جهت بهبود توانایی ها و مهارت های ساختاری، کارکردی و زمینه ای مطرح شده و امکان ایفای مؤثر نقش های اجتماعی و فرهنگی در جامعه برای این سازمان ها فراهم شود. هدف اصلی تحقیق تعیین وضعیت عوامل مؤثر بر توانمندی سازمان های مردم نهاد (NGOs) فعال در حوزه بهزیستی استان مازندران، با اقتباس از مدل جولی فیشر می باشد. و اهداف کاربردی تحقیق به صورت زیر می باشد:

- شناسایی هرچه بیشتر توانایی های NGO های بهزیستی و گسترش آن ها در جامعه و قانع سازی مسئولین در این گسترش.
- تأکید بر جلب توجه جامعه در اعتماد NGO ها و توانمندسازی اقشار مختلف مردم جهت مشارکت بیشتر با دولت و انجام کارهای خیرخواهانه.
- شناسایی آسیب های احتمالی و ارائه راهکارهای توانمندسازی این سازمان ها.

سوال های تحقیق:

- سوال اصلی: وضعیت عوامل مؤثر بر توانمندی سازمان های مردم نهاد (NGOs) در حوزه سازمان بهزیستی استان مازندران مطلوب است.
- سوال فرعی اول: وضعیت عوامل ساختاری مؤثر بر توانمندی سازمان های مردم نهاد (NGOs) در حوزه سازمان بهزیستی استان مازندران مطلوب است.
- سوال فرعی دوم: وضعیت عوامل کارکردی مؤثر بر توانمندی سازمان های مردم نهاد (NGOs) در حوزه سازمان بهزیستی استان مازندران مطلوب است.
- سوال فرعی سوم: وضعیت عوامل زمینه ای مؤثر بر توانمندی سازمان های مردم نهاد (NGOs) در حوزه سازمان بهزیستی استان مازندران مطلوب است.

۲. ابزار و روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس هدف تحقیق، تحقیق کاربردی و از نظر دسته‌بندی تحقیقات بر اساس مکان نیز می‌توان تحقیق را شامل مطالعات میدانی دانست که در میان محققان و صاحب‌نظران بهزیستی و NGO ها به صورت میدانی به گردآوری اطلاعات خواهد پرداخت. بر اساس نحوه جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز یک تحقیق توصیفی (غیرآزمایشی) از نوع تحقیق پیمایشی می‌باشد. برای گردآوری داده‌های تحقیق از پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید. که روائی آن با نظر اساتید متخصص و صاحب نظر تائید و پایائی آن از طریق الفای کرونباخ تعیین شد. مقدار ضریب الفای کرونباخ برابر ۰/۸۷ به دست آمده است. پرسشنامه تنظیمی، دارای طیف پنج گزینه ای لیکرت و شامل ۳ قسمت ساختاری، کارکردی، زمینه‌ای می‌باشد.

۳. جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری مورد تحقیق عبارت است از دو گروه مدیران و کارشناسان سازمان بهزیستی و مدیران سازمان‌های غیردولتی (NGOs) استان مازندران اعم از زن و مرد و با مدارک تحصیلی دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکتری که دارای حداقل یک سال تجربه کاری در سازمان مربوطه می‌باشند. تعداد افرادی که حایز شرایط فوق بوده‌اند در مجموع برابر با $N = 102$ شده است. بر اساس جامعه آماری مورد نظر تحقیق، روش نمونه‌گیری، تصادفی طبقه‌ای بوده و برای تعیین حجم نمونه از جدول مورگان استفاده شده است که با توجه به حجم جامعه آماری، حجم نمونه برابر با $n = 81$ نفر که به نسبت جمعیت از این تعداد $n_1 = 49$ مدیران (NGOs) بوده و $n_2 = 32$ نفر از مدیران و کارشناسان سازمان بهزیستی می‌باشند.

۴. یافته های پژوهش

آزمون نرمالیت

برای نشان دادن نرمال بودن یا نبودن توزیع متغیرها از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شده است. همان طوری که در جدول زیر مشاهده می شود چون sig محاسبه شده بیشتر از ۰/۰۵ است می توان در سطح اطمینان ۹۵ درصد ادعا کرد که تمامی متغیرها دارای توزیع نرمال هستند، در نتیجه از آزمون های پارامتری جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده می کنیم.

جدول ۱- آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

		سؤال اول	سؤال دوم	سؤال سوم	سؤال اصلی
N		۸۱	۸۱	۸۱	۸۱
Normal Parameters(a,b)	Mean	۳/۲۶۴۲	۳/۲۴۷۸	۲/۹۵۷۶	۳/۱۵۶۵
	Std. Deviation	۰/۳۹۴۷۵	۰/۴۹۵۹۱	۰/۵۶۳۷۹	۰/۳۷۶۵۵
Most Extreme Differences	Absolute	۰/۰۸۳	۰/۰۹۹	۰/۰۵۳	۰/۰۵۳
	Positive	۰/۰۸۳	۰/۰۸۷	۰/۰۴۵	۰/۰۵۳
	Negative	-۰/۰۶۷	-۰/۰۹۹	-۰/۰۵۳	-۰/۰۵۱
Kolmogorov-Smirnov Z		۰/۷۴۸	۰/۸۹۲	۰/۴۸۰	۰/۴۸۰
Asymp. Sig. (2-tailed)		۰/۶۳۱	۰/۴۰۵	۰/۹۷۵	۰/۹۷۶

آزمون سوالات تحقیق

آزمون سوال اصلی: پرسش نامه این تحقیق دارای مقیاس فاصله ای و در طیف پنج گزینه ای لیکرت است. گزینه ها در پنج طیف خیلی کم (۱)، کم (۲)، متوسط (۳)، زیاد (۴) و خیلی زیاد (۵) بوده اند. با توجه به اینکه میانگین نمرات فوق عدد ۳ است این عدد به عنوان میانگین مورد انتظار جامعه فرض شده است. این آزمون در سطح آلفای ۵ درصد انجام و شاخص آزمون به صورت زیر است:

$$T = \frac{\bar{X} - \mu_0}{\frac{S}{\sqrt{n}}}$$

سوال اصلی: وضعیت عوامل مؤثر بر توانمندی سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs) در حوزه سازمان بهزیستی استان مازندران مطلوب است.

$$\begin{cases} H_0 : \mu \leq 3 \\ H_1 : \mu > 3 \end{cases}$$

جدول ۲- آزمون t (سؤال اصلی)

متغیر	t	df	Sig.(2-tailed)	Mean Difference
عوامل مؤثر بر توانمندی	۳/۷۴۱	۸۰	۰/۰۰۰	۰/۱۵۶۵

با توجه به اینکه مقدار Sig در جدول کمتر از ۰/۰۵ است یعنی با اطمینان ۰/۹۵ سوال تحقیق تأیید می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت که وضعیت عوامل مؤثر بر توانمندی سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs) در حوزه سازمان بهزیستی استان مازندران مطلوب است.

سوال فرعی اول

وضعیت عوامل ساختاری مؤثر بر توانمندی سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs) در حوزه سازمان بهزیستی استان مازندران مطلوب است.

جدول ۳- آزمون t (سؤال فرعی اول)

متغیر	t	df	Sig.(2-tailed)	Mean Difference
عوامل ساختاری	۶/۰۲۴	۸۰	۰/۰۰۰	۰/۲۶۴۲

با توجه به اینکه مقدار Sig در جدول کمتر از ۰/۰۵ است یعنی با اطمینان ۰/۹۵ سوال تحقیق تأیید می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت که وضعیت عوامل

ساختاری مؤثر بر توانمندی سازمان های مردم نهاد (NGOs) در حوزه سازمان بهزیستی استان مازندران مطلوب است.

سوال فرعی دوم:

وضعیت عوامل کارکردی مؤثر بر توانمندی سازمان های مردم نهاد (NGOs) در حوزه سازمان بهزیستی استان مازندران مطلوب است.

جدول ۴- آزمون t (سؤال فرعی دوم)

متغیر	t	df	Sig.(2-tailed)	Mean Difference
عوامل کارکردی	۴/۴۹۷	۸۰	۰/۰۰۰	۰/۲۴۷۸

با توجه به اینکه مقدار sig در جدول کمتر از ۰/۰۵ است یعنی با اطمینان ۰/۹۵ سوال تحقیق تأیید می شود. در نتیجه می توان گفت که وضعیت عوامل کارکردی مؤثر بر توانمندی سازمان های مردم نهاد (NGOs) در حوزه سازمان بهزیستی استان مازندران مطلوب است.

سوال فرعی سوم:

وضعیت عوامل زمینه ای مؤثر بر توانمندی سازمان های مردم نهاد (NGOs) در حوزه سازمان بهزیستی استان مازندران مطلوب است.

جدول ۵: آزمون t (سؤال فرعی سوم)

متغیر	t	df	Sig.(2-tailed)	Mean Difference
عوامل زمینه ای	-۰/۶۷۷	۸۰	۰/۵۰۰	-۰/۰۴۲۴

با توجه به اینکه مقدار sig در جدول بیشتر از ۰/۰۵ است یعنی با اطمینان ۰/۹۵ سوال تحقیق رد می شود. در نتیجه می توان گفت که وضعیت عوامل

زمینه ای مؤثر بر توانمندی سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs) در حوزه سازمان بهزیستی استان مازندران مطلوب نیست.

۵. بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر کوشیده است تا براساس مدل تحلیلی مورد نظر ضمن بررسی عوامل توانمندساز در سه شاخه ساختاری، کارکردی، زمینه‌ای و با ارائه راهکارهای مناسب، علمی و کاربردی در هر چه توانمندتر شدن و بهره‌وری سازمان‌های غیردولتی بهزیستی استان مازندران مفید فایده باشد.

در نتیجه پس از انجام آزمون، فرضیه آماری مرتبط با سؤال اصلی تحقیق، بعد از تجزیه و تحلیل آماری مورد تأیید قرار گرفته است، یعنی مشخص گردید میزان توانمندی سازمان‌های غیردولتی بهزیستی استان مازندران مطلوب می‌باشد. هم‌چنین با تجزیه و تحلیل سؤال‌های فرعی تحقیق فرضیه‌های سؤال فرعی اول، دوم مورد تأیید قرار گرفته‌اند اما فرضیه آماری سؤال فرعی سوم مورد تأیید قرار نگرفته است. به عبارت دیگر میان میزان توانمندی موجود سازمان‌های غیردولتی بهزیستی استان مازندران باشاخص ساختاری و شاخص کارکردی تحلیل رابطه مثبت وجود دارد. اما میان وضع موجود سازمان‌های غیردولتی با شاخص زمینه‌ای (محیطی) رابطه مثبت وجود ندارد که طبعاً جهت افزایش توانمندی سازمان‌ها باید توجه بیش‌تری نسبت به این شاخص به عمل آید. یا به عبارتی دیگر در سؤال اصلی پژوهش وضعیت عوامل مؤثر بر توانمندی سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs) در حوزه سازمان بهزیستی استان مازندران مطلوب می‌باشد. هم‌چنین در سؤال‌های فرعی اول و دوم نیز وضعیت عوامل ساختاری و کارکردی مؤثر بر توانمندی سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs) در حوزه سازمان بهزیستی استان مازندران مطلوب می‌باشد. در سؤال فرعی سوم وضعیت عوامل زمینه‌ای مؤثر بر توانمندی سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs) در حوزه سازمان بهزیستی استان مازندران مطلوب نمی‌باشد. در مجموع

فضای عمومی تحقیقات به این سمت پیش رفته است که سازمان های مردم نهاد در جهت بهبود توانائی ها و مهارت های ساختاری، کارکردی و زمینه ای خود پیردازند و برای ایفای مؤثر نقش های اجتماعی و فرهنگی در جامعه، آمادگی لازم را پیدا کنند و همین طور با توجه به پیشینه های خارجی نیز می توان گفت باید کنترل بیشتری بر شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و جمعیتی داشته باشند.

علی رغم تفحص قابل ملاحظه تحقیقات مشابه در حوزه توانمندسازی NGOs در دسترس محقق قرار نگرفته است. معهدا نتایج تحقیق حاضر با برخی از پیشینه موجود قابل تطبیق می باشد.

الف- نتیجه به دست آمده از سؤال فرعی دوم تحقیق یعنی توانمندی در شاخه کارکردی، با نتایج طلوعی در سال ۱۳۸۲ یعنی برای دستیابی به شیوه مناسب مشارکت مردم به انسجام عملکرد و مشارکت مجموعه عوامل فرد دارای معلولیت، خانواده، نهادهای آموزشی، رسانه های گروهی، دولت، سازمان های غیردولتی و جامعه نیاز وجود دارد، همسو شده است.

ب- نتایج به دست آمده از سؤال های فرعی تحقیق، با نتایج عبداللهی در سال ۱۳۸۴ یعنی میانگین کل نظرات NGOs در مورد مشارکت مردمی ۳/۳ می باشد که مابین متوسط و زیاد می باشد. در مورد ارتباطات، میانگین ۳ بوده یعنی رضایت NGOs از ارتباطات متوسط می باشد و در مورد منابع تأمین بودجه سازمان غیردولتی ۹۳/۳ از محل کمک های مردمی و ۸۰٪ سازمان های غیردولتی از کمک های دولتی برخوردارند و ۴۰٪ از حق عضویت اعضا و همچنین ۴۳/۹٪ سازمان ها از دیگر منابع جهت تأمین بودجه خود استفاده می کنند که در حد مطلوبی می باشد، همسو شده است.

ج- نتیجه به دست آمده از سؤال فرعی اول تحقیق یعنی توانمندی در شاخه ساختاری، با نتایج مشفق و همکاران در سال ۱۳۸۷ یعنی ظرفیت سازی سطوح سازمانی (توانمندسازی سازمان های مردم نهاد و سازمان های جامعه

مدنی) می‌تواند در سطح فعالیت ساختاری مفید و مطلوب باشد، همسو شده است

محدودیت‌های خارج از حیطه اختیار محقق

۱- نبود پرسشنامه استاندارد

۲- محدودیت ذاتی سنجش نظرات و ابزار پرسشنامه ای تحقیق.

۳- مشکلات ناشی از فقدان فرهنگ تحقیق و پژوهش در سازمان‌های غیردولتی: عدم استقبال مدیران سازمان‌های غیردولتی از کاربرد نتایج تحقیق به دلیل غیرکاربردی بودن برخی تحقیقاتی که در این حوزه و سایر حوزه‌های سازمانی صورت گرفته است.

۴- تعصب و عدم رغبت برخی از پرسش‌شونده‌ها (آزمودنی‌ها) در پاسخ به سؤالات:

برخی از مدیران نگران افشای اطلاعات و در دسترس قرار دادن آن‌ها بودند و معتقد بودند که دسترسی سازمان بهیستی به این اطلاعات مشکلات مختلفی را برای آن‌ها ایجاد خواهد کرد.

۵- مسئله عدم آمادگی و عدم همکاری مدیران سازمان‌های غیردولتی از جهت انتشار اطلاعات.

تحقیقات زیر برحسب نیاز یا نگرش به پژوهشگرانی علاقمند به فعالیت در عرصه سازمان‌های غیردولتی توصیه می‌شود:

بررسی موانع و مشکلات سازمان‌های غیردولتی در ایران و ارائه راهکارهای عملی، بررسی نقش سازمان‌های غیردولتی در فرآیند توسعه پایدار، بررسی جایگاه NGOs در رویکرد مدیریت دولتی نوین، بررسی وضعیت ساختارهای NGOs در ایران و ارائه الگوی مطلوب ساختاری، طراحی سیستم اطلاعاتی سازمان‌های غیردولتی در ایران، طراحی نظام آموزشی برای مدیران و کارکنان NGOs در ایران،

طراحی نظام ارزیابی عملکرد NGOs در ایران،
بررسی زمینه های مشارکت شهروندان در فعالیت های NGOs در ایران،

با توجه به نتایج به دست آمده می توان پیشنهادات زیر را ارائه نمود.

پیشنهاد بر مبنای سؤال فرعی اول (وضعیت عوامل ساختاری مؤثر بر توانمندی)

۱- ضرورت ایجاد پل ارتباطی میان خیرین و سازمان های مردم نهاد به عنوان یکی

از منابع مالی و حمایتی

۲- الزام خرید خدمات از سازمان های مردم نهاد به جای گسترش یا حفظ

تصدی های دولتی

۳- ضرورت وحدت رویه و استاندارد سازی فعالیت سازمان های مردم نهاد در

حوزه بهزیستی

پیشنهاد بر مبنای سؤال فرعی دوم (وضعیت عوامل کارکردی مؤثر بر توانمندی)

۱- تسهیل فعالیت سازمان های مردم نهاد ذیربط از طریق وضع یا اصلاح قوانین

۲- برگزاری نشست های دوره ای با مسئولین سازمان های مردم نهاد در جهت

تقویت و کارآمد کردن برنامه های موجود (قدرتمند ساختن برنامه ها)

پیشنهاد بر مبنای سؤال فرعی سوم (وضعیت عوامل زمینه ای مؤثر بر توانمندی)

۱- تشکیل کارگاه های آموزشی برای سازمان های مردم نهاد در حوزه فعالیت های

مرتبط از ناحیه مؤسسات عمومی دولتی ذیربط.

۲- راه اندازی سایت های اینترنتی و چاپ خبرنامه های تشکل ها به منظور افزایش

ارتباط و اطلاع رسانی سازمان های غیردولتی

۴- تأسیس دبیرخانه ای در استان یا شهرستان برای هماهنگ سازی و ارتباط بین

سازمان های غیردولتی

۵- استفاده از متخصصین و صاحب نظران در زمینه فعالیت سازمان های غیردولتی

منابع:

- خزایلی پارسا، فاطمه (۱۳۸۲)، «سازمان‌های غیردولتی تاریخچه تعریف و ویژگی‌های»، جلد اول، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۵.
- رحیمی، مجیب الرحمن (۱۳۸۷)، «بررسی نقش نهادهای جامعه مدنی در روند گذار به سوی دموکراسی در کشورهای در حال توسعه».
- مقیمی، سیدمحمد (۱۳۸۳)، «کارآفرینی در نهادهای جامعه مدنی پژوهشی در سازمان‌های غیردولتی (NGOs) ایران»، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران و مرکز کارآفرینی دانشگاه تهران، چاپ دوم، یک جلدی، ۹-۱۰-۱۳۱-۱۳۲-۱۳۳-۳۷۲.
- مرتضوی، مهدی (۱۳۸۲)، «طراحی الگوی تحول اداری با رویکرد توسعه و تقویت سازمان‌های غیردولتی»، رساله دکتری مدیریت، دانشگاه تربیت مدرس، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران.
- محمدی‌نای مشفق، مهدی، محسن، مردعلی و مسعود، سلیمانی (۱۳۸۷)، «ظرفیت‌سازی سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه رفاه و تأمین اجتماعی، گامی در جهت توانمندسازی بخش غیردولتی».
- محمدی‌ازنی، اسماعیل، سیده هاجر، حسینی، و شریفه، غمگسار (۱۳۸۷)، «نیازسنجی تعداد مراکز غیردولتی مورد نیاز سازمان بهزیستی مازندران»، پروژه جهاد دانشگاهی استان مازندران.

- Carrol Thomas (1992), Inter mediary NGO: the supporting link in grassroots development, Kumarian press, pp.10
- Catano Victor, Pond Morgan & Kelloway Kevin (2001), Exploring commitment and leadership in volunteer organization. Leadership and Organization Development Journal, 22(6), pp. 2
- Denhardt Robert (2000), Theories of public organization. Harcourt Brace college publishers, pp. 147-49

-
- Gauri Varun & Galef Gulia (2005), NGOs in Bangladesh, activities, resources, and governance, *World Development*, 33(12), pp. 2045–2065, <www.elsevier.com>
 - Gulzar Laila & Henry Beverly (2005), Inter organizational collaboration for health care between nongovernmental organizations (NGOs) in Pakistan, *Social Science & Medicine*, 61, pp. 1930–1943, <www.elsevier.com>
 - Greenall David & Rovere Darin (1999), Engaging stakeholders and business NGO partnerships in development countries, *The Canadian international development agency*, pp. 1
 - Jordan Lisa & Tuij Peter (1998), Political responsibility in NGO advocacy exploring emerging shapes of global democracy, *Nether Lands Organization for International Development Cooperation*, pp. 2
 - Mostashari Ali (2005), an introduction to non- governmental organizations (NGO) management, *Iranian Studies Group at MIT*, <www.elsevier.com>
 - Nelson Paul J & Dorsey Ellen (2003), At the nexus of human rights and development: New Methods and Strategies of Global NGOs, *World Development* 31(12), pp. 2013–2026, <www.elsevier.com>
 - Rasalan Michael (2001), Evaluation efficacy: the changing relationship between civil society and the Philippine state. <[http;Akbar,Marlboro](http://Akbar,Marlboro), pp.2>
 - Usaid (2000), New partnership initiative: NGO Empowerment, *NPI Core Report*, pp. 15-18

